

فصلنامه مطالعات فقه اقتصادی، سال دوم، شماره دوم، تابستان ۱۳۹۹

مبانی فقهی - حقوقی دیه یوم‌الاداء؛ موضوع ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی

سید رضا احسان پور^{۱*}، احمد امی^۲

*۱. استادیار، گروه حقوق جزا و جرم‌شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه شاهد، تهران، ایران.

۲. استادیار، گروه حقوق، واحد سمنان، دانشگاه آزاد اسلامی، سمنان، ایران.

اطلاعات مقاله:

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات: ۳۹-۳۱

سابقه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۲/۰۳

تاریخ اصلاح: ۱۳۹۹/۰۳/۰۶

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۳/۲۵

تاریخ انتشار: ۱۳۹۹/۰۴/۰۱

واژگان کلیدی:

دیه، دیه یوم‌الاداء، حقوق بزه دیده، حمایت از بزه دیده، کاهش ارزش پول.

نویسنده مسوول:

سید رضا احسان پور

آدرس پستی:

ایران، تهران، دانشگاه شاهد

تلفن:

0000000000

کد ارکید:

0000-0001-9135-3968

پست الکترونیک:

Ehssanpour@gmail.com

چکیده

زمینه و هدف: دیه یکی از مجازات‌های جنایت علیه تمامیت جسمی انسان است. دیه مجازات اصلی جنایات شبه عمد و خطای محض است. در خصوص جنایات عمدی، دیه در صورتی مورد حکم قرار می‌گیرد که یا امکان قصاص نبوده و یا جانی و ولی دم بر تعیین دیه توافق نمایند. عقل سلیم حکم می‌کند که اگر حقی از کسی پایمال شود و یا چنانچه کسی مورد ضرب و جرح موجب خسارت گردد، صدمات وارده باید به نحو احسن جبران گردد و این امر نه تنها در مرحله اثبات و ثبوت خسارت بلکه در مرحله پرداخت باید با شرایط خاص خود صورت گیرد.

مواد و روش‌ها: این تحقیق از نوع نظری بوده روش تحقیق به صورت توصیفی تحلیلی می‌باشد و روش جمع‌آوری اطلاعات به صورت کتابخانه‌ای است و با مراجعه به اسناد، کتب و مقالات صورت گرفته است.

ملاحظات اخلاقی: در تمام مراحل نگارش پژوهش حاضر، ضمن رعایت اصالت متون، صداقت و امانت‌داری رعایت شده است.

یافته‌ها: با توجه به نوع جنایت، مسوول و مهلت پرداخت دیه متفاوت می‌باشد ولی آنچه که محرز است این که پرداخت دیه باید در موعد قانونی خود صورت گیرد؛ در خصوص اینکه نرخ دیه بر اساس چه قاعده‌های باید پرداخت گردد نظرات مختلفی ابراز شده است

نتیجه‌گیری: برخی بر این باورند که دیه باید به نرخ روزی پرداخت گردد که جرم ارتکاب یافته است. دلیل این دسته از افراد این است که در روزی که جرم ارتکاب یافته در واقع دیه صدمات در همان روز بر عهده مرتکب ثابت شده است. نظر دیگری که در خصوص پرداخت دیه به محکوم‌له ارایه می‌شود روز صدور حکم است. از لحاظ حقوقی فرد زمانی مجرم محسوب می‌شود که حکم از دادگاه صلاحیت‌دار صادر شده باشد و به عبارتی حکم قطعی شده باشد. طبق سومین نظر، دیه باید به نرخ روزی پرداخت گردد که اداء می‌شود. حمایت از حقوق بزه دیده و سیاست جنایی پیشگیرانه و همچنین قواعد فقهی متعدد از جمله قواعد «لاضرر» و «محترم بودن مال و جان مسلمان» ایجاب می‌کند جهت جبران کاهش ارزش پول نرخ دیه به قیمت روز پرداخت صورت پذیرد. قانون مجازات جدید نیز همین دیدگاه را در قالب ماده ۴۹۰ مقرر نموده است.

مقدمه

تجدیدنظر وی رد شده باشد به عبارتی حکم قطعی شده باشد. پس تا حکم قطعی نباشد شخص مرتکب همچنان متهم است و نه مجرم؛ پس نمی‌توان تا آن زمان یعنی زمان قطعیت حکم علیه وی، او را مسئول پرداخت دیه دانست لذا چون در این زمان مجرم شناخته شده پس در این زمان پرداخت مبلغ دیه بر عهده وی قرار گرفته و ثابت می‌شود و باید به نرخ روز صدور حکم این پول را به محکومله پرداخت کند.

این نظریه نیز جای تأمل دارد اما اگر پرداخت مبلغ دیه در روز یا سال‌های بعد از صدور حکم صورت پذیرد دقیقاً همان دلایلی که در نقد نظریه قبلی بیان شد در اینجا نیز مطرح خواهد بود. به عبارتی هم باعث تضرر محکومله می‌گردد و هم حمایت مالی موردنظر در بزه دیده شناسی حمایتی حاصل نخواهد شد. ولی با این حال این نظر نسبت به نظریه سابق کمی پذیرفته‌تر است چرا که حداقل باعث تضرر کمتری محکومله شده و تا حدی کاهش ارزش پول بین زمان ارتکاب جرم و زمان صدور حکم را جبران می‌نماید.

طبق سومین نظر ارائه شده، دیه باید به نرخ روزی پرداخت گردد که اداء می‌شود. یعنی اگر در موعده بعد از روز قطعیت حکم پرداخت دیه صورت گیرد باید به قیمت یوم‌الاداء باشد نه قیمت روز صدور حکم قطعی. این نظریه چنانچه خواهد آمد می‌تواند به صورت کامل منافع بر حق بزه دیده از جرم و یا اولیاء دم را محقق سازد.

تا پیش از تصویب قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به موجب رأی وحدت رویه نظریه دیه یوم‌الاداء پذیرفته شده بود. قانون مجازات جدید نیز برای تأکید بیشتر، آن را در قالب ماده ۴۹۰ بدین شرح بیان و مقرر نموده است: «در صورتی که پرداخت‌کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد، معیار، قیمت زمان پرداخت است مگر آنکه بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد.» این ماده، با توجه به توضیحات و دلایلی که ذکر خواهد شد قابل توجیه و دفاع عقلی، عرفی، شرعی و حقوقی خواهد بود.

عقل سلیم حکم می‌کند که اگر حقی از کسی پایمال شود و یا چنانچه کسی مورد ضرب و جرح موجب خسارت گردد، صدمات وارده باید به نحو احسن جبران گردد و این امر نه تنها در مرحله اثبات و ثبوت خسارت بلکه در مرحله پرداخت باید با شرایط خاص خود صورت گیرد. در مورد پرداخت خسارت و یا دیه ناشی از جراحت، نظرات مختلفی ارائه شده است. اگر برای مال قیمی، مثلی نباشد طریقی برای خروج از ضمان وجود ندارد جز با ادا قیمت و مهم ملاک تعیین این قیمت است و در اینجا احتمالاتی وجود دارد، آیا ملاک قیمت روز ضمان است یا روز تلف یا روز مطالبه یا یوم‌الاداء یا اعلی قیمت از روز قبض تا روز تلف یا اعلی قیمت از روز قبض تا روز اداء یا اعلی قیمت از روز تلف تا روز اداء؟ (سبحانی، ۱۴۲۵: ۱/ ۳۶۵)

برخی بر این باورند که دیه باید به نرخ روزی پرداخت گردد که جرم ارتکاب یافته است. دلیل این دسته از افراد این است که در روزی که جرم ارتکاب یافته در واقع دیه صدمات در همان روز بر عهده مرتکب ثابت شده و باید این پول را به نرخ همان روز به محکومله پرداخت نمود خواه صدور حکم در همان سال باشد یا در سال‌های بعد. اجمالاً می‌توان گفت که این نظریه قابل انتقاد است زیرا اولاً کاهش ارزش پول باعث می‌شود که محکومله متضرر گردد؛ ثانیاً این نظریه با بزه دیده شناسی حمایتی و عدالت ترمیمی در تعارض است زیرا باید جبران خسارت بزه دیده به بهترین نحو صورت پذیرد و این حداقل لطفی است که می‌تواند در جهت تسکین آلام بزه دیده و یا اولیاء دم وی صورت گیرد.

نظر دیگری که در خصوص پرداخت دیه به محکومله ارایه می‌شود روز صدور حکم است. از لحاظ حقوقی فرد زمانی مجرم محسوب می‌شود که حکم از دادگاه صلاحیت‌دار صادر شده باشد و این حکم قابل تجدیدنظر خواهی نباشد و یا مهلت تجدیدنظر آن به پایان رسیده و تجدیدنظر خواهی صورت نگرفته و یا اگر تجدیدنظر خواهی هم صورت گرفته، دعوی

توجیهات یوم‌الاداء بودن دیه

در ادامه به ابعاد مختلف بحث ملاک پرداخت دیه بر اساس روز اداء، پرداخته می‌شود و توجیهات این نظریه بحث می‌گردد.

پرداخت به موقع دیه باید پرداخت آن در مواعد بعدی به نرخ روز باشد و از این حیث ماده ۴۹۰ قانون مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ کاملاً منطبق بر قاعده لاضرر و مؤید آن است.

۱- توجیهات فقهی

در بحث فقهی قواعد متعددی وجود دارد که حقوق افراد را مورد حمایت قرار می‌دهد و با استناد به آن‌ها می‌توان حق را ثابت نمود. مبنای بسیاری از این قواعد فقهی کتاب و سنت است و غیر قابل انکار می‌باشند در بحث اثبات و الزام به پرداخت دیه یوم‌الاداء نیز می‌توان به برخی از این قواعد استناد نمود.

۱-۲ احترام مال المسلم و عمله

مقصود از احترام مال مردم، مصونیت اموال آنان از تصرف و تعدی است (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۲۵)؛ بدین معنا که اولاً تعدی و تجاوز نسبت به آن‌ها جایز نیست و ثانیاً در فرض وقوع تعدی و تجاوز، متجاوز، مسئول و ضامن است (روحانی، ۱۴۲۹: ۱۴۲/۳).

مستند این قاعده حدیث شریف «لا یحل مال امرئ الا بطیب نفسه»، است (روحانی، ۱۴۱۲: ۴۱۷/۱۹). یعنی مال مردم حلال نیست، مگر با رضایت خاطر آنان. استدلال به حدیث فوق هم نظیر بیانی است که در روایت قبلی گفته شد، با این توضیح که جمله فوق دال بر آن است که هر گونه تصرف در مال دیگری، بدون رضایت خاطر او عملی نامشروع است (محقق داماد، ۱۴۰۶: ۲۲۶/۲۱۵). مسئول پرداخت دیه باید در موعد مقرر قانونی دیه را به محکوم‌له پرداخت نماید و تا زمانی که مال را پرداخت نکند به نوعی تصرف بلا اذن در مال غیر نموده و مسئول است که آن را عودت دهد. بازگرداندن مال به مالک یا دائن یا محکوم‌له باید به نحوی صورت گیرد که به بهترین وجه احقاق حق وی صورت پذیرد (امامی، ۱۳۷۵: ۱/۳۵۷). لازمه احترام به مال مؤمن که مانند حرمت خون اوست نیز همین است (نراقی، ۱۴۱۵: ۱۸/۱۵) و نتیجتاً اگر پرداخت دیه می‌خواهد صورت گیرد باید به نرخ روز اداء پرداخت شود تا این حرمت و احترام به مال دیگران عملاً حفظ گردد.

۱-۱ قاعده لاضرر

لزوم جبران ضرر غیر، قدیمی‌ترین مفهومی است که از مسئولیت مدنی به جا مانده و همه قواعد دیگر از این منبع سرچشمه گرفته است. در حقوق اسلامی نیز قاعده «لا ضرر» همین نقش را ایفا می‌کند؛ زیرا این قاعده یکی از مشهورترین قواعد فقهی است که در بیشتر ابواب فقه مانند عبادات، معاملات و غیره به آن استناد می‌شود (مصطفوی، ۱۴۲۱: ۳۴۵).

ضرر به دو قسم مادی و معنوی قابل تقسیم است که هر یک از آن‌ها نیز به نوبه خود دارای اقسام فرعی دیگری نیز می‌باشند (قمی، ۱۴۱۳: ۲/۳۰۰)، ولی توجه به این نکته که اغلب ضرر معنوی همراه با ضرر مادی است قابل اهمیت است (حمد شراره، ۱۳۹۵: ۹۳). انطباق موضوع مورد بحث ما بر قاعده لاضرر روشن و صریح است؛ اولاً؛ خسارت معنوی و مادی هر دو در اقدام علیه تمامیت جسمی بر مجنی علیه وارد شده و در مورد اولیاء دم وی خسارت معنوی را شامل می‌شود و ثانیاً؛ قطعی، شخصی، مستقیم بودن ضرر و مشروع بودن آن غیر قابل انکار می‌باشد. ثالثاً؛ باید جبران جنایت وارده به مجنی علیه و یا اولیاء وی به نحوی باشد که آلام ناشی از جرم را جبران کند و حداقل آن را تسکین دهد لذا با عنایت به تورم موجود و عدم

۱-۳ اصل فوریت

فور، در لغت به معنای شتاب، و حالتی است که در آن کندی و درنگ نباشد، و تراخی، به معنای درنگ کردن است. در اصطلاح علم اصول، فور به معنای شتاب

جویی و تسکین آلام بزه دیده نمی‌شود پس به طریق اولی عدم جبران خسارت مطابق حقوق وی به نحو خطرناک‌تری می‌تواند انگیزه وی را برای انتقام تقویت کند. بر اساس مطالعات مورخان حقوق کیفری و قانون‌نامه‌های دوره باستان، قربانیان جرایم (بزه دیدگان مستقیم و غیرمستقیم) از طریق حق و حتی در مواردی تکلیف انتقام جویی از بزه‌کار، مقابله به مثل و مطالبه غرامت (دیه)، در واقع نقش عمده‌ای را در دادرسی کیفری و حل‌وفصل اختلاف‌های ناشی از جرم ایفا می‌کردند و حتی در مواردی دولت، حاکم شهر یا جامعه می‌بایست خسارات وارد شده به بزه دیده را جبران می‌نمودند؛ پرداخت دیه به صورت کامل زمانی خواهد بود که پرداخت به قیمت روز اداء باشد و این نه تنها حق مجنی علیه است بلکه در بسیاری از موارد با اقناع شدن قربانی یا اولیاء وی می‌تواند انگیزه انتقام جویی را در وی کاهش دهد و یا حتی آن را از بین ببرد.

۲-۳ جبران خسارت

نویسندگان حقوق مدنی با بهره‌گیری از معانی لغوی، اصطلاحی و عرفی ضرر گفته‌اند: هر جا که نقصی در اموال ایجاد شود و یا منفعت مسلمی از دست برود و یا به سلامت و حیثیت و عواطف شخصی لطمه‌ای وارد آید می‌گویند ضرری به بار آمده است. کاستن از دارایی شخص و پیشگیری از فزونی آن به هر عنوان که باشد اضرار به اوست (کاتوزیان، ۱۳۷۴: ۲۱۹/۱).

در خصوص بزه دیده و قربانی جرم که مستحق دریافت دیه شده است نیز این اصل حاکم است چراکه در مورد ماهیت دیه جنبه جبران خسارت آن بر جنبه مجازات غلبه دارد. پس با این ماهیت و حتی بر فرض وجود ماهیت دوگانه باید گفت که دیه نیز مشمول اصل جبران خسارت می‌شود و باید پرداخت گردد (لنگرودی، ۱۳۷۵: ۶۰/۲). در جنایات صورت گرفته علیه تمامیت جسمی، آلام متعدد روحی و روانی و یا بازماندگان وی وارد خواهد شد و این آلام به سادگی

کردن برای امثال امر مولا در اولین زمان ممکن، و تراخی به معنای به تأخیر انداختن امثال امر مولا از اولین زمان ممکن است (ولایی، ۱۳۷۴: ۲۴۳/۱). بحث فور و تراخی در اصول فقه در زمره مباحث مربوط به صیغه امر محسوب می‌شود. امر و تکلیف باید سریعاً انجام شوند و کسی که مسئول پرداخت دیه است باید فوراً آن را به بهترین وجه که برای مجنی علیه یا اولیاء دم وی مشکل‌ساز نباشد پرداخت کند. اگر مرتکب در پرداخت آن تعلل نماید امر فوری را به تأخیر انداخته و مرتکب معصیت شده و مسئول خواهد بود اگر عمد داشته و عمداً آن را نپرداخته مسئولیت کیفری هم دارد ولی در غیر این صورت مسئولیت حقوقی او ثابت است و کمترین ضمانت اجرای تراخی در اجرای امر مولا و یا پرداخت دیه این است که آن را به نرخ روز پرداخت کند (بجنوردی، ۱۴۱۹: ۱۰۶/۲).

۲- توجیهات حقوقی و جرم‌شناختی

۲-۱ عدالت ترمیمی

«عدالت ترمیمی» الگوی جدیدی در عدالت کیفری است که بر احیای حقوق بزه دیده و حل و فصل مسائل ناشی از ارتکاب بزه با مشارکت فعال بزه دیده و جامعه محلی و نیز بزه‌کار از طریق مذاکره و ترمیم خسارات و ایجاد صلح و آشتی تأکید و تکیه دارد. در واقع زیر بنای ترمیم رابطه بزه دیده و بزه‌کار قبول مسئولیت است توسط او است (ابرنادآبادی، ۱۳۸۱: ۱۱). این نحوه ترمیم که صلاح و فساد در گروهی آن است در پرداخت دیه نیز مطرح خواهد بود و باید دیه به نحوی پرداخت گردد که هم از لحاظ حقوقی و قانونی و هم عرف و بنای عقلاء و بخصوص از نظر خود مجنی علیه و یا اولیاء دم وی کامل صورت گرفته و به قیمت یوم‌الاداء پرداخت شود.

۲-۲ پیشگیری از انتقام

عدم جبران خسارت بزه دیده حتی در برخی موارد به صورت کامل نیز باعث فروکش کردن حس انتقام

روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است. (مظفر، ۱۴۰۳: ۱۵۳/۲)

اگر عقلاء اتلاف مال غیر را موجب ضمان و آن را عدل و عدم آن را موجب ظلم می‌دانند، شارع نیز باید آن را بپذیرد. اگر شارع مقدس آن را نپذیرد، یا باید بگوییم که حکم مذکور، حکم عقلایی نیست و این خلاف فرض است و یا آنکه شارع از حکم عقلاء خارج گردیده و ظلم را مجاز دانسته است. این برخلاف نظر عدلیه است که ظلم را از طرف خداوند قبیح و محال می‌دانند و در ما نحن فیه عیناً مسأله به همین شکل مطرح می‌گردد. زیرا، عقلاء عدم پرداخت خسارت‌های ناشی از جرم را ظلم می‌دانند و ظلم از طرف خداوند قبیح است، پس نتیجه می‌گیریم که، حکم به عدم پرداخت خسارت یا عدم پرداخت کامل آن از طرف خداوند قبیح است (مرعشی، ۱۴۲۷: ۱۸۸/۱). با همه این توضیحات به نظر می‌رسد همین بنای عقلاء می‌تواند مبنایی برای الزام به پرداخت دیه به قیمت یوم‌الاداء باشد زیرا همه خردمندان جامعه در اینکه این حق مسلم بزه دیده جرم است اتفاق دارند و زمانی حق وی به صورت کامل پرداخت شده محسوب می‌شود که به قیمت روز تأدیه دیه پرداخت گردد البته در صورتی که قبلاً نسبت به پرداخت آن اقدام نکرده و مجنی علیه نیز از اخذ آن استنکاف ننموده باشد.

نتیجه‌گیری

دیه یک نهاد امضایی است در اسلام که در ماهیت آن بین حقوقدانان و فقها اختلاف وجود دارد. به هر حال کسی که مرتکب جرم علیه تمامیت جسمانی دیگری می‌شود مجازات‌های مختلفی در انتظار او است که از جمله آن پرداخت دیه است. دیه باید با توجه به نوع آن در مهلت‌های مقرر قانونی پرداخت گردد که در قتل عمد یک سال و در قتل شبه عمد دو سال و در قتل خطای محض سه سال از تاریخ وقوع جنایت است. حال اگر در این مدت زمان دیه از طرف جانی به

قابل جبران نخواهد بود؛ در مورد دیه که در واقع جایگزین یک عمل جنایت‌آمیز شده است نمی‌توان آن را در واقع جایگزین اتم و اکمل آن عمل به حساب آورد به نحوی که کاملاً تبعات حاصل و حادث شده از آن را پوشش دهد لذا در صورت تعلق آن باید به صورت کامل به مجنی علیه پرداخت شود. در پرداخت دیه باید تسریع صورت گیرد و در صورت عدم پرداخت به موقع آن باید خسارت به قیمت روز پرداخت اداء گردد و اگر به این صورت نباشد در واقع خسارت وارد شده مربوط به زمان معین برای پرداخت تا زمان پرداخت از سوی مرتکب جبران نشده باقی خواهد ماند.

۴-۲ جبران کاهش ارزش پول

از آن جا که پول از مقوله‌های تأثیرگذار در حوزه اقتصاد و سیستم معیشتی مردم است و از طرفی در مباحث فقهی و حقوقی نقش مؤثری دارد (فیض، ۱۳۷۳: ۲۰۳/۱) و در موضوع بحث ما نیز در مباحثی مثل ربا در معدودات، برخی احکام خرید و فروش اسکناس، زیاده ربوی در باب قرض و ... جایگاه ویژه‌ای دارد، در خصوص پرداخت دیه نیز این عنصر اقتصادی تأثیرگذار می‌باشد. اگر بتوانیم پذیرفته شود که پول به‌عنوان یک کالا، ارزشش روزبه‌روز با توجه به تورم در حال کاهش است و چون مبنای پرداخت دیه نیز مبالغی از پول می‌باشد لذا با کاهش ارزش پول، هر قدر پرداخت دیه به تعویق افتد مجنی علیه و یا اولیاء دم وی بیشتر متضرر خواهند شد، ملتزم به پذیرش پرداخت دیه به نرخ یوم‌الاداء خواهیم بود و این پرداخت به نرخ یوم‌الاداء کاهش ارزش پولی را که باید در موعد خود پرداخت می‌شد را جبران می‌کند.

۳- بنای عقلاء

بنای عقلاء، رفتار معینی است که همه‌ی خردمندان در برخورد با یک واقعه از خود نشان می‌دهند بدون آن که اختلاف زمان، مکان، فرهنگ، بینش، دین و مذهب آنان تأثیری در بروز این رفتار داشته باشد. به عبارتی

نه قیمت زمان وقوع جرم و نه قیمت یوم الاداء، بلکه قیمت زمان صدور حکم).

اما با عنایت به برخی دلایل نهایتاً نظر پرداخت بر اساس قیمت زمان صدور حکم نیز منتفی گردید و رویه به سمت و سوی دیه یوم‌الاداء سوق پیدا کرد؛ اولاً؛ امضایی بودن احکام مربوط به دیات؛ ثانیاً؛ عدم تناسب ماده ۲۹۷ قانون مجازات اسلامی سابق و تبصره آن با نیازهای زمان حال و عدم قابلیت اجرایی آن؛ ثالثاً؛ ضرورت انطباق قانون با واقعیت‌های ملموس و محسوس زمان و لزوم هماهنگی آن با تحولات اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی جامعه، رابعاً؛ عدم اعتبار قانونی بخشنامه‌های صادره از دستگاه قضایی راجع به ملاک قرار دادن قیمت زمان صدور حکم و اختلاف نظر فقهاء در خصوص پرداخت قیمت یوم‌الاداء باعث شد میزان دیه بر اساس پول رایج کشور در نظر گرفته شود و با توجه به شاخصی که بانک مرکزی هر ساله ارائه می‌دهد، درصد تورم محاسبه و در میزان دیه اعمال می‌شود. این اختلافات بر سر نرخ زمانی پرداخت دیه باعث شد که نهایتاً قانون‌گذار ما به حق و مطابق حقوق بزه دیده با تعیین یک ماده قانونی در قانون جدید مجازات اسلامی مصوب ۱۳۹۲ به همه این نزاعها پایان داده و نهایتاً در ماده ۴۹۰ مقرر نمود که «در صورتی که پرداخت‌کننده بخواهد هر یک از انواع دیه را پرداخت نماید و یا پرداخت دیه به صورت اقساطی باشد، معیار، قیمت زمان پرداخت است مگر آنکه بر یک مبلغ قطعی توافق شده باشد».

لذا به نظر می‌رسد با وجود این ماده برای حفظ حقوق بزه دیده و با توجه به همه مبانی توجیه‌کننده دیه یوم‌الاداء حتی در صورت پذیرش تقسیط دیه از سوی دادگاه باید قاعده دیه یوم‌الاداء حفظ گردد و نباید این امر را منوط به تأخیر از زمان پرداخت قسط و اخذ خسارت تأخیر تأدیه به موجب ماده ۵۲۲ قانون آیین دادرسی مدنی نمود چرا که پرداخت دیه یوم‌الاداء خود جبران‌کننده تأخیر مذکور نیز خواهد بود.

مجنی علیه یا اولیاء دم وی پرداخت نگردد تکلیف چیست؟ در اینجا سه موعد زمانی متصور می‌توان شد؛ اول پرداخت دیه به قیمت روز ارتکاب جنایت؛ دوم براساس قیمت روز صدور حکم و سوم قیمت یوم‌الاداء. از زمان تصویب قانون دیات (سال ۱۳۶۱) و لازم الاجرا شدن آن، با توجه به نظریات شورای عالی قضایی (سابق)، در پرداخت قیمت دیه، ملاک قیمت زمان صدور حکم بود و پس از اصلاحات انجام شده در قانون اساسی و تمرکز مدیریت در قوه قضائیه و همچنین تصویب قانون مجازات اسلامی در سال ۱۳۷۲ همچنان ملاک در پرداخت قیمت دیات، قیمت زمان صدور حکم بود. صدور بخشنامه‌های مختلف از طرف رئیس قوه قضائیه و وزیر دادگستری مؤید این مطلب بوده است.

در سال ۱۳۷۶ نظر ریاست قوه قضائیه در ضمن نامه شماره ۱/۷۶/۱۴۸۵ معاونت اجرایی آن قوه به این شرح تغییر نمود: «... دیه بر اساس همان قیمت زمان صدور حکم است که بر ذمه طرف استقرار یافته...» این نظر با اشکالاتی همراه بود. به عنوان مثالبه طور کلی نمی‌توان ماهیت کیفری بودن دیه را از آن زایل نمود. چه به یک اعتبار دیه یکی از مجازات‌ها بوده و در موضوعات جزایی راجع به آن بحث شده است فلذا در بحث مربوط به پرداخت قیمت دیه به عنوان کیفر فعل مجرمانه جانی، می‌بایست همانند سایر مجازات‌ها، قانون زمان وقوع فعل مجرمانه را حاکم دانست و بر اساس آن مجازات را تعیین نمود به عبارت روشن‌تر لازم است بر اساس اصل جزایی رعایت قلمرو زمانی جرم و مجازات، قیمت دیه را بر مبنای قیمت زمان ارتکاب جنایت، محاسبه نمود. چنانچه به دیه به عنوان دین نگاه کنیم، صدور حکم در واقع بیانگر اشتغال ذمه جانی در زمان وقوع جرم می‌باشد و ابتدای اشتغال ذمه وی را باید زمان ارتکاب جنایت دانست مع‌الوصف به نظر می‌رسد که قوه قضائیه ظاهراً به منظور رعایت پاره‌ای مصالح، حالت بینابین را مد نظر قرار داده بود،)

ملاحظات اخلاقی

ملاحظات اخلاقی در خصوص نگارش مقاله و امانت‌داری در ارجاعات رعایت گردید.

تقدیر و تشکر

از همه عزیزانی که در به سامان رسیدن این تحقیق ما را یاری رساندند تشکر می‌کنیم.

سهم نویسندگان

نگارش و تألیف این مقاله مشترکاً توسط تمامی نویسندگان صورت گرفته است.

تضاد منافع

در این تحقیق تضاد منافی وجود ندارد.

تمامی بر سر نرخ پرداخت دیه در مواردی است که عدم پرداخت مستند به فعل شخص پرداخت کننده باشد نه فعل شخص محکوم‌له. در نظریه‌ی مشورتی ۱۳۶۶/۹/۷-۶۱۴۲ چنین آمده است: «در مواردی که اولیای دم از گرفتن دیه امتناع می‌نمایند، واحد اجرای احکام دادگستری دیه را از محکوم علیه اخذ و در صندوق دادگستری یا بانک تودیع نموده و به اولیای دم اخطار می‌نماید تا جهت وصول آن مراجعه نمایند و تا مراجعه‌ی آنها وجه در حساب دادگستری خواهد ماند». لذا اگر شخص محکوم‌له از دریافت حقوق خود امتناع ورزد و پرداخت کننده حاضر به پرداخت هم باشد قطعاً پرداخت دیه یوم‌الاداء وجهی نخواهد داشت.



منابع

- امامی، سید حسن (۱۳۷۵). حقوق مدنی. جلد ۱، تهران: اسلامیة.
- بجنوردی، سید حسن (۱۴۱۹). القواعد الفقهیة. جلد ۲، قم: الیهادی.
- جعفری لنگرودی، محمد جعفر (۱۳۷۵). دانشنامه حقوقی. جلد دوم، تهران: امیرکبیر.
- حائری، سید علی بن محمد طباطبایی (بیتا). ریاض المسائل. جلد دوم، قم: دارالفکر.
- سبحانی، جعفر (۱۴۲۵). رسائل فقهیه. جلد ۱، قم: دارالفکر.
- مرعشی شوشتری، سید محمد حسن (۱۴۲۷). دیدگاه‌های نو در حقوق. تهران: سمت.
- حمد شراره، عبد الجبار (۱۳۹۵). أحكام النصب فی الفقه الإسلامی. جلد ۱، بیروت: مؤسسه الأعلمی، دار التریبہ.
- فیض، علیرضا (۱۳۷۱). مبادی فقه و اصول. تهران: دانشگاه تهران.
- طباطبایی قمی، سید تقی (۱۴۱۳). عمدۀ المطالب فی التعلیق علی مکاسب. جلد ۲، قم: کتابفروشی محلاتی.
- حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۱۲). فقه الصادق علیه السلام. جلد نوزدهم، قم: دارالکتاب مدرسه امام صادق علیه‌السلام.
- حسینی روحانی قمی، سید صادق (۱۴۲۹). منهاج الفقاهة. جلد ۳، قم: انوار الیهدی.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۷۴). الزامهای خارج از قرارداد ضمان قهری. تهران: دانشگاه تهران.
- محقق داماد، سید مصطفی (۱۴۰۶). قواعد فقه. جلد ۱، تهران: علوم اسلامی.
- مظفر، محمدرضا (۱۴۰۳). اصول الفقه. جلد ۲، بیروت: دارالعلم.
- مصطفوی، سید محمد کاظم (۱۴۲۱). مائتة قاعدة فقهیة. قم: دفتر اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
- نجفی ابرندآبادی، علی حسین (۱۳۸۱). از حقوق کیفری بزه‌دیده مدار تا عدالت ترمیمی. دیپاچه از مهرداد رایجیان اصلی، بزه دیده در فرآیند کیفری. تهران: خط سوم.
- نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی (۱۴۱۵). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. جلد ۱۵، قم: مؤسسه آلالیت علیهماالسلام.
- ولایی، عیسی (۱۳۷۴). فرهنگ تشریحی اصطلاحات اصول. جلد ۱، تهران: سمت.



Jurisprudential Principles - Legal Diyat of the Day; Subject of Article 490 of the Islamic Penal Code

Seyed Reza Ehsanpour^{1*}, Ahmad Ommi²

*1. Assistant Professor, Department of Criminal Law and Criminology, Faculty of Humanities, Shahed University, Tehran, Iran.

2. Assistant Professor, Department of Law, Semnan Branch, Islamic Azad University, Semnan, Iran.

ARTICLE INFORMATION:

Article Type: *Original Research*

Pages: 31-39

Article history:

Received: 22 Apr 2020

Edition: 26 Jun 2020

Accepted: 14 Jun 2020

Published online: 21 Jun 2020

Keywords:

Diyat, diyat on the day of payment, victim rights, victim protection, devaluation of money.

Corresponding Author:

Seyed Reza Ehsanpour

Address:

Iran, Tehran, Shahed University

Orchid Code:

0000-0001-9135-3968

Tel:

00000000000

Email:

Ehsanpour@gmail.com

ABSTRACT

Background and Aim: Diyat is one of the punishments for crimes against human physical integrity. Diyat is the main punishment for quasi-intentional crimes and pure error. In the case of intentional crimes, diyat is imposed if either retaliation is not possible or the victim agrees to determine diyat. Common sense dictates that if someone's right is violated or if someone is beaten or harmed, the damage must be compensated well, and this must be done not only in the stage of proving the damage, but also in the stage of payment. Special circumstances apply.

Materials and Methods: This research is of theoretical type and the research method is descriptive-analytical and the method of data collection is library and has been done by referring to documents, books and articles.

Ethical Considerations: In order to organize this research, while observing the authenticity of the texts, honesty and fidelity have been observed.

Findings: Depending on the type of crime, the person responsible and the deadline for payment of diyat are different, but what is clear is that the payment of diyat must be done within its legal deadline; Different opinions have been expressed about the rules according to which the diyat rate should be paid.

Conclusion: Some believe that the ransom should be paid at the rate of the day the crime was committed. The reason for this group of people is that on the day the crime was committed, in fact, the compensation for the injuries on the same day has been proven. Another opinion that is presented to the convict regarding the payment of diyat is the day of issuance of the sentence. Legally, a person is considered guilty when a sentence has been issued by a competent court, in other words, a final sentence. According to the third view, the ransom must be paid at the rate of the day it is paid. The protection of victims' rights and preventive criminal policy, as well as various jurisprudential rules, including the rules of "harmlessness" and "respect for the property and life of Muslims," require that the ransom rate be paid at the price of the day to compensate for the devaluation. The new Penal Code provides the same view in the form of Article 490.

Cite this article as:

Ehsanpour S R, Ommi A. Jurisprudential Principles - Legal Diyat of the Day; Subject of Article 490 of the Islamic Penal Code. 2020; 2(2): 0-00.